

بررسی و تبیین کاربردپذیری نتایج پژوهشی در سیاستگذاری: پلی میان نظر و عمل

لیلا نامداریان^۱

استادیار سیاستگذاری علم و فناوری، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

(تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۴ - تاریخ تصویب: ۹۵/۸/۲۹)

چکیده

رابطه میان پژوهش و سیاستگذاری یکی از مهمترین زمینه‌های علاقه‌مندیه حوزه سیاستگذاری عمومی است؛ زیرا بازیگران مختلف (لابی‌گران، محققان، سازمانهای دولتی و غیره) همواره در پی تاثیرگذاری بر دولت هستند اما تعامل میان پژوهش و سیاست به دلیل تفاوت دنیای محققان و سیاستگذاران با چالش‌ها و موانع عمده‌ای مواجه است. در تحقیق حاضر ضمن بیان جنبه‌های ناسازگاری میان محققان و سیاستگذاران تلاش شده است تا با مطالعات کتابخانه‌ای مجموعه‌ای از موانع پیش‌روی تعامل پژوهش و سیاست شناسایی شود. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که عمده این موانع را می‌توان در قالب چهار طبقه نظیر ارتباط غیر موثر میان سیاستگذار و محقق، غیرکاربردی بودن پژوهش برای سیاست، فقدان ظرفیت برای انجام پژوهش مرتبط با سیاست و مشکلات موجود در اشاعه و نشر یافته‌ها و نتایج پژوهش برشمرد. در انتها نیز توصیه‌هایی برای مرتفع نمودن این موانع و مشکلات ارائه شده که هم برای محققان و هم برای سیاستگذاران درس‌آموز است.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری مبتنی بر شواهد، پژوهش، سیاست، محققان

¹ - namdarian@irandoc.ac.ir

۱- مقدمه

از آنجا که خواستگاه سیاست‌های عمومی، دستیابی به اهمیت و مشاهده‌پذیری است، کیفیت و کارایی آنها همواره محل سوال است. به همین دلیل، در اواخر ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۶۰ میلادی، تجزیه و تحلیل سیاست‌ها در قالب مفهومی تحت عنوان «علم عمل»^۱ در ایالات متحده آمریکا ظهور یافت. در این دوران، تمرکز اصلی بر فرآیند انتقال نتایج پژوهش‌های تحلیلگران به سیاستگذاران بود تا از این طریق پژوهش‌ها مرتبط‌تر و مفیدتر گردند و بتوانند به حل مسائل جامعه کمک نمایند (Almeida & Bascolo 2006:8). «دوکشیر و تورلو»^۲ (۲۰۰۲:۹)، پژوهش‌های سیاست‌مدار^۳ را نوع خاصی از پژوهش می‌دانند که قادرند توصیه‌های مفید و اقدامات عملی را برای حل مسائل ریشه‌ای جامعه فراهم نمایند. آنها به چهار مرحله کاربردی‌سازی نتایج پژوهش در فرآیند سیاستگذاری اشاره دارند که عبارت‌اند از: شناسایی و تشخیص مسائل، درک موضوعات کلیدی سیاستی، انتخاب یک برنامه اقدام برای تاثیر بر موضوعات کلیدی سیاستی، ارزیابی و پایش در طی پیاده‌سازی برنامه اقدام و بعد از آن. در مرحله ارزیابی و پایش ممکن است تحقیق و پژوهشی مورد نیاز باشد تا چگونگی اجرا را نشان و راه‌حلی را برای تقویت اثرات آن ارائه دهد (Dukesheir & Thurlow 2002: 9-12).

بنابراین پژوهش می‌تواند نقش‌های متنوعی در سیاست ایفا نماید. نقش‌هایی نظیر نشان دادن چگونگی و چرایی مداخله بازیگران و نهادها در شرایط خاص و همین‌طور تجویز راه‌حل‌هایی برای مسائل مرتبط با منافع عمومی. با وجود تمامی فرصتهایی که پژوهش می‌تواند برای سیاستگذاری داشته باشد، در جوامع دموکراسی لیبرال فرآیند سیاستگذاری به جای اینکه با علوم سیاسی و اجتماعی مرتبط باشد، یک فرآیند بسیار گیج‌کننده و تحت نفوذ تفکرات ایدئولوژیک بود. زمانیکه حزب کارگر در بریتانیا در انتخابات ۱۹۹۷ با شعار «آنچه که مهم است چیستی کار^۴ است» برنده شد، یک تغییر پارادایم رخ داد و نفوذ ایدئولوژیک در سیاست‌ها خاتمه یافت (parsons 2002: 43). بعدها «بلانکیت»^۵ (۲۰۰۰)، وزیر وقت امور آموزش عالی و اشتغال در بریتانیا، سخنرانی تحت عنوان «نفوذ یا بی‌ربطی: آیا علوم اجتماعی می‌تواند دولت را بهبود بخشد»، ارائه نمود که باعث شد این ایده از سر گرفته شود. وی در این سخنرانی روابط جدیدی را میان علوم اجتماعی و دولت فراخواند و به بی‌ربطی علوم اجتماعی

^۱ - Science of action

^۲ - Dukesheir and J Thurlow

^۳ - Policy-research

^۴ - What works

^۵ - Blunkett

با فرآیند سیاستگذاری پایان بخشید. از این دیدگاه، سیاستها باید بر پایه شواهد و پژوهش‌های سیاستی که بر درک و فهم چرایی کارها متمرکزاند، اخذ شوند (Soare and student, 2013). در این بستر مفهوم سیاستگذاری مبتنی بر شواهد^۱ ظهور یافت. «مارستون و واتس» (۲۰۰۳:۱۴۴)، سیاستگذاری مبتنی بر شواهد را فرآیندی نظام‌مند با گام‌های یافتن، ارزیابی و استفاده از یافته‌های پژوهشی برای اخذ تصمیم‌گیری‌های سیاستی تعریف می‌کنند.

تاکید اصلی تحقیق حاضر بر این است که دانشمندان و محققان با انجام پژوهش، شواهدی را تولید می‌کنند که سیاستگذاران با استفاده از آنها قادر به اخذ سیاست‌های آگاهانه‌تری خواهند بود. البته در عمل تحقق این امر با چالش‌هایی مواجه است و مشکلات زیادی بر سر راه این مشارکت سیاستگذاران و محققان وجود دارد. بررسی این موانع و چالش‌ها و ارائه راهکار برای مرتفع نمودن آنها هدف تحقیق حاضر است. در این راستا، بخش دوم این تحقیق به مفهوم سیاستگذاری مبتنی بر شواهد به عنوان راهی برای پل زدن میان پژوهش و سیاست می‌پردازد. در بخش سوم به جنبه‌های ناسازگاری میان محققان و سیاستگذاران پرداخته شده است. بخش چهارم موانع تعامل پژوهش و سیاست و بخش پنجم راهکارها و توصیه‌هایی برای از میان برداشتن این موانع را بیان می‌دارد.

۲- سیاستگذاری مبتنی بر شواهد؛ راهی برای پل زدن میان پژوهش و سیاست

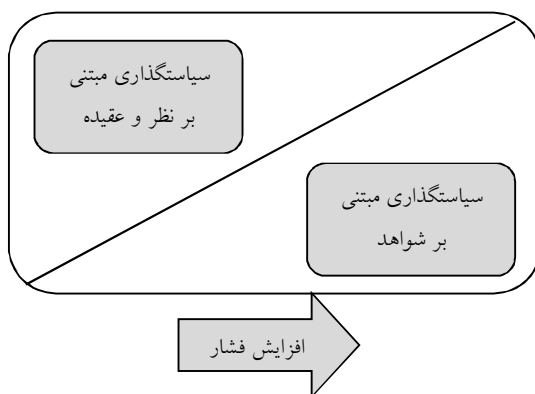
در حوزه سیاستگذاری، دو نوع «سیاستگذاری مبتنی بر عقیده و نظر» و «سیاستگذاری مبتنی بر شواهد» می‌توان قائل شد (Gray, 1997). تغییر از روش قدیمی سیاستگذاری با منشأ ایدئولوژیک (سیاستگذاری مبتنی بر عقیده و نظر) به سیاستگذاری مبتنی بر شواهد در اثر پیشرفت‌های بسیار مهمی ایجاد شده است (شکل ۱). یکی از این پیشرفت‌ها، رشد جمعیت تحصیل کرده و آگاهی است که به صورت فعال در پی پرسش از تأثیر اقدامات اقتصادی و اجتماعی دولت هستند (Nutley et al., 2002). مخصوصاً، رشد هزینه‌های عمومی موجب می‌شود تا مالیات دهندگان در مورد مشکلات اجتماعی و تأثیرشان بر سرمایه‌های عمومی تحقیق کنند (Sanderson, 2002).

پیش‌فرض مبتنی بر شواهد این است که در صورت جمع‌آوری اطلاعات گسترده و با کیفیت در مورد یک مساله، تبدیل آن به دانش معنادار و انتشار آن در بین ذینفعان دارای قدرت عمل، می‌تواند در مورد مسایل عمومی تصمیمات بهتری اتخاذ کرد (Clarence, 2002). سیاستگذاری مبتنی بر شواهد یک دهه پیش در چندین کشور پیشرفته از جمله در بریتانیا و ایالات متحده

^۱- Evidence-based policy making

^۲- Marston and Watts

(Jewell and Bero, 2008) مطرح شد؛ گرایش‌های مشابهی نیز در کشورهای دیگر از جمله استرالیا و کشورهای منطقه اسکانندیناوی شکل گرفته است (AO, 2009). در کشورهای در حال توسعه نیز به دلایلی چون حرکت این کشورها به سمت استراتژی‌های کاهش فقر، نیاز به اطلاعات قابل اعتماد و به موقع برای تحلیل سیاست‌ها و پاسخ به انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات که بر دولت‌ها برای ارائه اطلاعات فشار آورده است، استفاده از سیاستگذاری مبتنی بر شواهد ضروری به نظر می‌رسد (Scott, 2005).



شکل ۱- پویایی سیاستگذاری مبتنی بر شواهد (Gray, 1997).

برای شواهد دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد و صاحب نظران، انواع مختلفی از شواهد را برای سیاستگذاری متصور هستند. اداره کابینه بریتانیا^۱ (Cabinet Office, 1999) در سال ۱۹۹۹ انواع شواهد را شامل دانش خبرگان، تحقیقات منتشر شده، تحقیقات موجود، مشاوره از ذینفعان، ارزیابی سیاست‌های قبلی، نتایج حاصل از مشاوره‌ها، پیامدهای مدل‌های اقتصادی و آماری معرفی می‌کند. «مارستون و واتس^۲» (Marston and Watts, 2003) معتقدند که انواع شواهد مناسب برای سیاستگذاری عبارت‌اند از مشاهدات قوم‌نگارانه و مشاهدات ویژه. پارسونز (۲۰۰۲:۴۳)، ماهیت شواهد را به دو صورت از دانش بیان می‌دارد: یکی شواهدی که از جنس پژوهش هستند و به وسیله دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی تولید می‌شود و دیگری تجربه حرفه‌ای و سازمانی که در خصوص چابکی کارهاست (parsons 2002: 43). محققان زیادی نسبت به نقش پژوهش در سیاستگذاری مبتنی بر شواهد خوشبین و در خصوص آن به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند. «نیوتلی و وب^۳» (۲۰۰۰:۱۴)، در مطالعه خود به بهبودهای مهم

^۱ - UK Cabinet office

^۲ - Marston and Watts

^۳ - Nutley and Webb

حاصل از تعامل پژوهش و سیاستگذاری در بریتانیا، اشاره می‌کنند. آنها بیان می‌کنند که دولت بریتانیا توانایی‌های خود را برای فراهم کردن اطلاعات مورد نیاز پژوهش‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها افزایش داده است. «دوکشیر و تورلو» (۲۰۰۲:۲)، با تحلیل وضعیت کانادا دریافتند که در این کشور علاقه زیادی به استفاده از پژوهش برای تغذیه اطلاعاتی تصمیمات سیاستی و اطلاع‌رسانی آنها به شهروندان وجود دارد. به اعتقاد آنها، دولت کانادا به اهمیت نقش پژوهش در توسعه سیاست‌ها پی برده است؛ به همین دلیل، دولت فدرال کانادا در سال ۱۹۹۶ پژوهش‌های سیاست‌مدار را به عنوان یک استراتژی پژوهش مورد توجه و تاکید قرار داد. «مارستون و واتس» (۲۰۰۳)، در خصوص شیوه بکارگیری پژوهش در بریتانیا در قرن گذشته دو چشم‌انداز را توضیح می‌دهند:

(۱) مدل کنشگر عقلایی سیاست: در این مدل پژوهش نقش اصلی و مهمی را در توسعه سیاست بازی می‌کند؛

(۲) مدل سیاسی: پژوهش صرفاً یکی از چندین ورودی فرآیند سیاستگذاری است و اغلب موثرترین آنها نیست.

آنها بر چشم‌انداز اول به عنوان گزینه منطقی‌تر تاکید می‌نمایند. «کالمفورز»^۱ (۴-۳:۲۰۰۹)، در تحلیل خود در خصوص نقش پژوهش در سیاستگذاری اقتصادی نیز دارای دیدگاه مشابهی است. این محقق دارای دو چشم‌انداز در خصوص رابطه بین پژوهش و سیاست می‌باشد. چشم‌انداز اول، «اقتصاددان آرمانگرا»^۲ است. که پیش‌فرض آن این است که سیاستگذاران هدفشان حداکثر سازی ترجیحات اجتماعی است و خواهان جذب دانش‌های مرتبط از محققان و پژوهشگران برای سیاستگذاری و رهاندن خود از قید قضاوت‌های ارزشی هستند. چشم‌انداز دوم، «اقتصاددان بدبین»^۳ است. بر اساس این چشم‌انداز سیاستگذاران هیچ علاقه‌ای به پژوهش ندارند. آنها به نتایج پژوهش برای حمایت و پشتیبانی از تصمیماتی که قبلاً اتخاذ نموده‌اند نیاز دارند. سپس «کالمفورز»، به منظور صحنه گذاشتن بر چشم‌انداز اول یعنی «اقتصاددان آرمانگرا»، تصمیم‌گیری کشورهای سوئد و فنلاند را در پیوستن به اتحادیه اقتصادی و پولی مقایسه می‌کند. وی بیان می‌دارد، دولت سوئد یک کمیون متشکل از محققان دانشگاهی را برای بررسی جوانب مثبت و منفی عضویت در اتحادیه اقتصادی و پولی منصوب نمود. بر اساس نتایج بررسی این کمیون دولت تصمیم گرفت که به اتحادیه نپیوندد. در مقابل فرآیند سیاسی در فنلاند خیلی به دیدگاه «اقتصاددان بدبین» نزدیک است. تحلیل‌های اقتصادی در فنلاند صرفاً برای توجیه تصمیمات اخذ شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. «کالمفورز»، بر اساس مقایسه

^۱- Calmfors

^۲- Idealistic economist

^۳- The cynical economist

فرآیند تصمیم‌گیری این دو کشور، چشم‌انداز اول یعنی «اقتصاددان آرمانگرا» را ترجیح می‌دهد. روابط میان پژوهش و تصمیم‌گیرندگان دولتی هم اکنون به شدت مورد توجه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی قرار گرفته است تا بتوانند داده‌های مورد نیاز ذینفعان را فراهم آورند. به همین دلیل محققان و نویسندگان زیادی روی این موضوع متمرکز شده‌اند؛ اما به دلیل تفاوت‌های زیاد دنیای محققان و سیاستگذاران مشکلات زیادی بر سر راه تعامل پژوهش و سیاست وجود دارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳- چالش سیاستگذاری مبتنی بر شواهد: ناسازگاری میان محققان و سیاستگذاران

ناسازگاری میان دانشمندان و سیاستگذاران یک واقعیت است. اگر دانشمندان و سیاستگذاران قرار باشد که با یکدیگر کار کنند آنها باید نقاط ضعف و قوت یکدیگر را بدانند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده بسیاری از محققان در خصوص میزان استفاده از نتایج تحقیقاتشان و همچنین بسیاری از سیاستگذاران در خصوص میزان کاربردی بودن و سودمندی تحقیقات تردید دارند. علت این امر این است که دانشمندان و سیاستگذاران طرز فکر متفاوتی دارند. برای نمونه اهداف آنها، زبان آنها، درک آنها از زمان، نگرش آنها به کاربرد و استفاده اطلاعات، مسئولیت و پاسخگویی آنها و وجهه عمومی آنها با هم متفاوت است.

• تفاوت در هدف سیاستگذاران و محققان

هدف سیاستگذاران کسب حمایت‌های مردمی است. از مهمترین فعالیتهای کلیدی آنها اداره کردن بحران‌های سیاسی است. آنها علاقه زیادی به مسائل و موضوعات گسترده دارند، برای نمونه تمایل زیادی به پیدا کردن راه حل‌های کاربردی برای مسائل و مشکلات متنوع دارند. هدف و مقصود در دنیای سیاستگذاری، «سیاست، عمل و مردم» است (Pang, 2003). به دلیل پیچیدگی‌های سیاستگذاری و حجم بالای جلسات، آنها زمان اندکی برای توجه به تولیدات علمی دارند؛ به همین دلیل، آنها تمایل بیشتری به خواندن جملات و پاراگراف‌های کوتاه و خلاصه است. هدف دانشمندان و محققان پیشبرد و توسعه علم می‌باشد. یکی از مهمترین فعالیتهای دانشمندان انتشار مقالات است و با انجام این کار به تولید دانش پرداخته و بدنه دانشی را تقویت می‌کنند. دانشمندان علاقه کمتری به مسائل و موضوعات گسترده‌ای نظیر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی کار خود دارند. مقصود و هدف در دنیای پژوهش، «تولید علم و انتشارات علمی، پتنتها و درآمدن در مقام استادی»^۱ است. محققان کسانی هستند که روی

^۱- professorships

شکاف دانشی که سایر دانشمندان در خصوص آن داده و اطلاعاتی ندارند متمرکز شده و به صورت عمیق آن را موشکافی می‌کنند. آنها با استفاده از مدل‌های منطقی در جستجوی حقیقت می‌باشند (Innvaer et al., 2002).

• تفاوت در زبان سیاستگذاران و محققان

زبان صحبت سیاستگذاران به طور معمول شامل برخی از کلمات اختصاری و نمادها است که این کلمات اختصاری خود به وسیله کلمات اختصاری دیگر تعریف می‌شوند و برای اینکه زبان آنها برای جامعه غیر دانشمند و یا حتی دانشمندان حوزه‌های مختلف قابل درک و فهم باشد باید ترجمه شود (Choi et al., 2005).

• تفاوت در درک سیاستگذاران و محققان از زمان

درک دانشمندان از زمان بسیار متفاوت است است (European commission, 2008). از نظر دانشمندان هر چه که زمان بیشتری صرف یک پژوهش شود بهتر است؛ زیرا در آن صورت کیفیت کار پژوهشی افزایش می‌یابد. طنزی که در میان پژوهشگران رایج است این است که راه و رسم همیشگی زندگی ما یافتن پاسخ برای یک سوال پژوهشی مهم است که تاکنون کسی به آن پاسخ نداده و روی آن کار نکرده است. دانشمندان معمولاً تمام زندگی حرفه‌ای خود را صرف کار کردن در یک حوزه موضوعی خاص می‌کنند تا از این طریق تخصص و دانش خود را در آن حوزه افزایش داده و در آن شهرت ملی و بین‌المللی کسب کنند. دیدگاه سیاستگذاران در خصوص زمان کاملاً متفاوت است و از نظر آنها زمان همه چیز است. از نظر آنها پاسخ‌ها باید همیشه سریع باشد و جدول زمانی همیشه مقدم‌تر از کیفیت است؛ زیرا آنها باید دارای دیدگاه‌های سریع و محکم باشند تا موثق به نظر برسند. سیاستگذاران معمولاً تمایل زیادی به کار در پروژه‌های کوتاه دارند زیرا این امر باعث می‌شود که به سرعت در پروژه‌های مختلف مشارکت داشته باشند و از این طریق برای خود کارنامه‌ای حاوی تخصص و تجربه در طیف متنوعی از حوزه‌ها و موضوعات ایجاد می‌کنند (Innvaer et al., 2002).

• تفاوت در نگرش سیاستگذاران در استفاده و کاربرد اطلاعات

محققان در خصوص متدولوژی پژوهش و سطوح مشاهدات جمع‌آوری شده در طی مطالعه خود حساسیت خاصی دارند (McQueen, 2001). در حالی که سیاستگذاران در ارزیابی‌های خود از اطلاعات بی‌قاعده‌تر عمل می‌نمایند. سیاستگذاران معمولاً در جستجوی اطلاعات مهم هستند و آنها همان اطلاعاتی هستند که انعکاس سریعی از از واقعیت‌ها را برای

سیاستگذاران فراهم می‌کند. نتایج حاصل از نظرسنجی‌ها، روایات و داستان‌هایی از زندگی واقعی نمونه‌هایی از این دست اطلاعات می‌باشند. به این ترتیب با توجه به تولید شواهد از یک سو (توسط محققان) و کاربرد آنها از سوی دیگر (توسط سیاستگذاران)، مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا محققان می‌توانند نیازهای سیاستگذاران را پاسخ دهند (Lomas, 2002). سیاستگذاران اغلب از اینکه محققان نمی‌توانند پاسخ‌هایی سریع، واضح و روشن و ساده به آنها بدهند ابراز ناامیدی می‌کنند؛ دانشمندان نیز اغلب از اینکه داده‌های مورد نیاز آنها موجود نیست، یا اینکه آنها نمی‌توانند یافته‌های پیچیده خود را به زبان ساده‌ای شرح دهند ابزار ناامیدی می‌کنند. سیاستگذاران معتقدند که انجام دادن آن دسته از تحقیقاتی که محققان از سر کنجکاوی و یا میل به انتشار آنها انجام می‌دهند و احتمالاً برای دانشمندان جنبه انگیزشی دارد بی‌معنی می‌باشد.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که اگر چه ممکن است شواهد علمی در تضاد با ارزش‌ها و اعتقادات سیاستگذاران باشد، اما سیاستگذاران از این شواهد برای کنترل تعریف مسئله و راه‌حل‌های سیاستی استفاده می‌کنند (Choi et al., 2005). سیاستگذاران معمولاً به دنبال شواهدی برای حمایت از ادعاهایشان می‌باشند و به همین دلیل نوعی تعصب نظامند در شیوه‌ای که سیاستگذاران داده‌ها و اطلاعات را جستجو و مورد استفاده قرار می‌دهند رخ می‌دهد (Macdonald and Harrison, 2004). جنبه دیگر این موضوع این است که سیاستگذاران اغلب نگران شکاف‌های دانشی هستند زیرا در این صورت حمایت نظری از برنامه‌های سیاستی آنها کاهش می‌یابد. بنابراین آنها به گرفتن تصمیمات ناآگاهانه‌ای که به خوبی تغذیه اطلاعاتی نشده است پایان می‌بخشند (Innvaer et al., 2002). نکته دیگر این است که محققان محدودیتهای داده‌های خود را می‌دانند به همین دلیل دائماً به دنبال گواه و مدرک هستند تا شک و شبهه و تردیدهای معقول را نسبت به داده‌های خود از بین ببرند. سیاستگذاران نیازمند یک پاسخ کوتاه و ساده از جانب دانشمندان در خصوص مسائلی پیچیده هستند. محققان به صورت سنتی در ارائه نتایج تحقیقات خود متکی بر تعداد زیادی هشدارهای احتمالی هستند که سیاستگذاران آنها را باور ندارند (Lin, 2004). سیاستگذاران دائماً باید قضاوت‌های اخلاقی را در مواجهه با عدم قطعیت انجام دهند بنابراین تصمیمات آنها در تعامل با احتمالات اخذ می‌شود. از این رو، سیاستگذاران جذب شواهدی می‌شوند که مؤید و مصدق تجربیات آنها می‌باشد (Choi et al., 2005).

• تفاوت در پاسخگویی و مسئولیت دانشمندان و سیاستگذاران

محققان در اصل نسبت به سردبیران و داوران مجلات و تامین‌کنندگان مالی تحقیقات پاسخگو و مسئول هستند. آنها ممکن است به سیاست علاقه‌مند باشند اما در نهایت نیازی به تمرکز روی مسایل سیاستی ندارند. از طرف دیگر، سیاستگذاران در مقابل شرکای سیاسی، دولت، مالیات‌دهندگان و رای‌دهندگان مسئول و پاسخگو هستند و باید روی مسائل مرتبط با برنامه‌های سیاستی متمرکز شوند. همچنین زمانی که بر همراستایی فعالیتهای علمی محققان با چشم‌اندازهای دولت تأکیدی وجود داشته باشد، مسئولیت آنها برای صرف بودجه پژوهش در زمینه اولویتها افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی محققان هوشمند کسانی هستند که قبل از ارائه پیشنهادیه خود و بستن بودجه آن، با سیاستگذاران مشورت کنند. از طرف دیگر داشتن سیاست بدون توجه به دقیق فکر کردن، درست کار کردن آن سیاست را تضمین نمی‌کند. این باید به خوبی درک شود که علم برای کمک به توسعه سیاست و ارزیابی آن مورد نیاز است. قبل و بعد از سیاست، علم باید به کارگرفته شود (Ozga, 2004).

• تفاوت در وجهه عمومی سیاستگذاران و محققان

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد وجهه عمومی است. دانشمندان اغلب به عنوان افراد عاقلی که فارغ از منافع اقتصادی و سیاستی هستند، مورد احترام قرار می‌گیرند. سیاستگذاران اغلب به عنوان افراد قدرتمندی تلقی می‌شوند که لزوماً مورد احترام قرار نمی‌گیرند. البته این بدان معنی نیست که دانشمند و یا سیاستگذار صرف اینک یکی به عقلانیت علمی و دیگری به عقلانیت سیاسی پاسخ می‌دهد، بد هستند. به علاوه دانشمندان در محدوده کاری که انجام می‌دهند دارای هنجارها و انتظاراتی هستند که ممکن است عقلانیت فرهنگی نامگذاری شود. زمانی که این منطق‌های رقیب در کنار هم قرار بگیرند به نظر می‌رسد که ناسازگاری آنها حل شده و سیاست مبتنی بر شواهد قابل اقتباس می‌باشد (Choi et al., 2005).

۴- موانع تعامل پژوهش و سیاست

تلاش برای فائق آمدن بر مسائل و مشکلات موجود بر سر راه استفاده از پژوهش در تصمیم‌گیری کار بسیار دشواری است. «آلمدیا و باسکولو»^۱ (۲۰۰۶:۱۰)، در مطالعه خود تحت عنوان «استفاده از نتایج پژوهش در تصمیم‌گیری، تدوین و پیاده‌سازی سیاست»، برای موانع موجود بر سر راه استفاده از نتایج پژوهش در سیاستگذاری، یک طبقه‌بندی ارائه نمودند:

^۱- Almeida and Báscolo

- مشکلات ایدئولوژیکی که تدوین برنامه‌های سیاستی را با محدودیت مواجه می‌نماید، نظیر فقدان اراده سیاسی یافقدان توانایی تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌های یکپارچه‌تر و تعاملی‌تر؛
- جدایی تاریخی میان محققان و سیاستگذاران به دلیل تحقیر فکری متقابل یکدیگر؛
- عدم اطمینان به دلیل واگرایی علمی محققان در خصوص یک مسئله مشخص و جزیره‌ای بودن اطلاعات در خصوص مسائل مهم؛
- برداشت‌های متفاوت از ریسک در سطح فردی و جمعی؛
- مداخله رسانه‌ها از طریق تفسیرهای غلط از نتایج و واگرایی در بهره‌برداری از آنها به جای شفاف‌سازی نتایج؛
- مشکل ارتباطی محققان و سیاستگذاران، چراکه محققان از زبان غیرقابل نفوذ و معانی نامناسب استفاده می‌کنند؛
- چارچوب زمانی پژوهش فراتر از گام‌های فرآیند سیاستگذاری است؛
- «ادوارد»^۱ (۲۰۰۵:۶۹)، محققان را طرف عرضه و سیاستگذاران را طرف تقاضای اطلاعات می‌داند. وی چهار مانع را برای طرف تقاضا و چهار مشکل را برای طرف عرضه برمی‌شمارد:
- مشکل آگاهی: فقدان آگاهی سیاستگذاران در خصوص پژوهش‌های سیاستمدار موجود؛
- ضد روشنفکری در دولت (ترس از قدرت انتقادی ایده‌ها): فرآیند سیاست نشأت گرفته از آداب و سنن است و این کاملاً مغایر استفاده از پژوهش در سیاستگذاری است؛
- ظرفیت دولت برای جذب نتایج پژوهش: سیاستگذاران بی‌اعتنا، بی‌توجه و یا ناتوان از جذب نتایج هستند؛
- سیاست‌زدگی پژوهش: فقدان بی‌طرفی علمی سیاستگذاران و محققان؛
- مشکل کالای عمومی: عرضه ناکافی پژوهش‌های مرتبط با سیاست به دلیل فقدان بودجه دولتی برای تحقیقات؛
- مشکل دسترسی: فقدان دسترسی به پژوهش، داده و تحلیل‌ها هم برای سیاستگذار و هم برای محقق؛
- مشکل درک و فهم^۲: درک ضعیف سیاست توسط محققان و سیاستگذاران، چگونگی مرتبط کردن پژوهش را با سیاست با مشکل مواجه می‌نماید؛
- مشکل ارتباطات: ارتباطات غیر موثر سیاستگذاران و محققان. ارتباطات یک فرهنگ است و ارتباطات غیر موثر عامل اصلی و محوری جدایی سیاستگذاران و محققان از یکدیگر است.

^۱- Edwards^۲- comprehension

اتحادیه اروپا (۲۰۰۸)، موانع تعامل پژوهش و سیاست را به صورت زیر بیان می‌کند:

- فقدان زبان مشترک میان سیاستگذاران و محققان باعث می‌شود که آنها دیدگاه‌های یکدیگر را درک نکنند.
- فقدان وجود کانال‌های مناسب برای برقراری ارتباط میان آنها؛
- تفاوت در مقیاس زمانی نیازهای اطلاعاتی و بحث فوریت در میان محققان و سیاستگذاران یکی دیگر از موانع است. به عبارتی محققان برای پژوهش خود نیازمند زمان زیادی هستند، حال آنکه سیاستگذاران ممکن است به نتایج این پژوهش نیاز فوری داشته باشند.
- عدم وجود سنت همکاری میان محققان و سیاستگذاران در کشور.

«پارسونز» (۲۰۰۲:۴۶)، در خصوص موانع ارتباط میان پژوهش و سیاست بیان می‌کند سیاست‌ها بر اساس عقاید به‌جای دانش چستی و چرایی کارها تدوین می‌شوند.

«نیوتلی و وب»^۱ (۲۰۰۰:۱۳)، معتقداند که جوامع با سیاست‌ها هدایت می‌شوند به جای علم؛ سیاستها دارای یک کارکنور انتخاباتی هستند تا یک کارکنور منطقی.

مشکل دیگری که گروهی از متخصصان ژنو به آن اشاره دارند این است که سیاستگذاران برای کسب اطلاعات مورد نیاز سیاستگذاری در درجه اول سازمانها وموسسات پژوهشی بین-المللی و یا خبرگان فنی خودشان را در اولویت قرار می‌دهند. از این رو، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات بومی با وجود دارا بودن ظرفیت، اغلب قادر به همکاری با سیاستگذاران نیستند. به نظر می‌رسد که از نظر سیاستگذاران، اعتبار پیش‌نیاز همکاری است. «هیل»^۲ (۲۰۰۸:۲۲۸)، بیان می‌دارد که مصداق این امر، اصطلاح «برج عاج»^۳ است و این عدم اعتماد غیر مولد سبب می‌شود که هرگز نتوان پایه، اساس و عملکرد جهان خود را به طور دقیق درک نمود. وی، یکی از پیامدهای این امر را انحراف نتایج می‌داند. پژوهشگران تحت تاثیر فشار بازیگران بیرونی برای حذف و یا تفسیر مجدد یافته‌های پژوهشی خود ممکن است کنترل خود را بر برنامه پژوهشیان از دست بدهند. به علاوه احتمال زیادی وجود دارد که سیاستگذاران برای پیشبرد برنامه‌های سیاستی خود از اطلاعات سوء استفاده نمایند به خصوص اگر رسانه‌ها نیز درگیر شوند.

یکی دیگر از موانع، زمان تحویل نتایج است. سیاستگذاران به مسائل مرتبط با آینده علاقه دارند و در جستجوی پاسخ سریع به مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی هستند. این فشارها ممکن است پژوهشگر و محقق را از تلاش‌های خود دلسرد نماید چراکه چارچوب زمانی بلندمدت پژوهش‌های تجربی، اثر بالقوه این پژوهش‌ها در حل مسائل فوری سیاستی محدود می‌نماید (Marston and Watts 2003, 146).

^۱- Nutley and Webb

^۲- Hill

^۳- Ivory tower

بر مبنای آنچه که گفته شد می‌توان مهمترین موانع موجود بر سر راه تعامل پژوهش و سیاست را به صورت زیر بیان نمود:

- اهمیت دادن بیش از حد سیاستگذار به هویت محقق: سیاستگذاران اغلب برای کسب اطلاعات ورودی سیاستگذاری و تجزیه و تحلیل سیاستها وابسته به سازمانهای بین‌المللی، موسسات پژوهشی بین‌المللی و متخصصان فنی خودشان هستند. از این رو، دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی ممکن است که دارای ظرفیت تولید چنین اطلاعاتی باشند ولی اغلب قادر به همکاری با سیاستگذاران نیستند.
- فقدان اعتبار و کیفیت خروجی‌های پژوهش از نظر سیاستگذاران؛
- فقدان کانالها و استراتژی‌های مناسب برای برقراری ارتباط میان سیاستگذاران و محققان؛
- غیرکاربردی بودن پژوهش‌ها برای سیاستگذاری؛
- مشکل دسترسی: فقدان دسترسی به پژوهش، داده و تحلیل‌ها هم برای سیاستگذار و هم برای محقق؛
- فقدان زبان مشترک میان سیاستگذاران و محققان و عدم درک دیدگاه‌های یکدیگر؛
- فقدان تخصیص بودجه دولتی برای تحقیقات مرتبط با سیاست؛
- ظرفیت اندک دولت برای جذب نتایج پژوهش به دلایلی نظیر بی‌اعتنایی، بی‌توجهی و یا ناتوانی از جذب نتایج؛
- مشکل آگاهی: فقدان آگاهی سیاستگذاران در خصوص پژوهش‌های سیاستمدار موجود؛ موانع شناسایی شده در بالا را می‌توان به صورت جدول ۱ طبقه‌بندی نمود:

جدول ۱- موانع تعامل پژوهش و سیاست

<ul style="list-style-type: none"> • ارتباط غیر موثر میان سیاستگذار و محقق <ul style="list-style-type: none"> ▪ فقدان کانالهای مناسب برای برقراری ارتباط میان سیاستگذاران و محققان؛ • غیرکاربردی بودن پژوهش برای سیاست <ul style="list-style-type: none"> ▪ غیرکاربردی بودن پژوهش‌ها برای سیاستگذاری؛ ▪ فقدان دسترسی به پژوهش، داده و تحلیل‌ها هم برای سیاستگذار و هم برای محقق؛ • فقدان ظرفیت برای انجام پژوهش مرتبط با سیاست <ul style="list-style-type: none"> ▪ برون‌سپاری پژوهش؛ ▪ فقدان تخصیص بودجه دولتی برای تحقیقات مرتبط با سیاست؛ ▪ ظرفیت اندک دولت برای جذب نتایج پژوهش به دلایلی نظیر بی‌اعتنایی، بی‌توجهی و یا ناتوانی از جذب نتایج؛

• مشکل در اشاعه و نشر یافته‌های پژوهش

- مشکل آگاهی: فقدان آگاهی سیاستگذاران در خصوص پژوهش‌های سیاست‌مدار موجود؛
- فقدان زبان مشترک میان سیاستگذاران و محققان و عدم درک دیدگاه‌های یکدیگر؛
- فقدان اعتبار و کیفیت خروجی‌های پژوهش از نظر سیاستگذاران؛

۵- توصیه‌های سیاستی

در تحقیق حاضر تاکید بر آن بود که پژوهش می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری را بهبود بخشد. راه و روش پیوند علم و سیاست، امری حائز اهمیت است. سیاستها باید بر مبنای شواهد تهیه و تدوین شوند و شواهد باید در خصوص چگونگی توسعه، پیاده‌سازی و ارزیابی استراتژی-های مورد نیاز جمع‌آوری شوند و هیچ راهی بهتر از این نیست که سیاستگذاران از نزدیک درگیر در علم شوند. به این ترتیب، باید مراقب بود تا سیاستگذاری به انتخاب شواهد مبتنی بر سیاست^۱، یعنی خلق و انتخاب شواهد توجیه کننده سیاستها، تبدیل نشود. بعد از برشمردن موانع و مشکلات ارتباط میان پژوهش و فرآیند سیاستگذاری، در این بخش یک مجموعه از توصیه‌ها برای غلبه بر موانع مذکور ارائه می‌شود.

❖ برقراری ارتباط موثر میان محققان و سیاستگذاران

- محققان باید تلاش نمایند تا اطلاعات مربوط به پژوهش‌های جاری را تا حد امکان به طور گسترده منتشر نمایند (Parsons, 2002:46).
- موسسات تحقیقاتی می‌توانند از مقامات عالی رتبه دولت دعوت نمایند که در کنفرانس‌های علمی شرکت کنند تا شاهد ارائه دستاوردهای پژوهشی آن موسسات باشند و یا اینکه رویدادهای علمی را به گونه‌ای سازماندهی نمایند که امکان دیدار سیاستگذاران و محققان را فراهم آورند (Soare and student, 2013)؛
- موسسات تحقیقاتی می‌توانند یادداشتهای و خلاصه‌هایی از دستاوردهای پژوهشی خود را به وزارتخانه‌های مرتبط ارسال نمایند (Soare and student, 2013)؛
- اگر کاربران موسسات تحقیقاتی بنگاه‌های دولتی هستند، آنها می‌توانند نتایج و دستاوردهای خود را به این بنگاه‌ها نیز اشاعه دهند (Edwards, 2005)؛
- بهتر است موسسات تحقیقاتی سعی در تماس مستقیم با سیاستگذاران داشته باشند. برای مثال اگر سیاستگذاران مذاکره کنندگان خود را به سوی موسسات تحقیقاتی فرستادند،

¹- policy based evidence-making

موسسات تحقیقاتی بهتر است خلاصه و یادداشتهای کوتاه از یافته‌های تحقیقاتی خود را ارائه دهید تا سیاستگذاران به تماس مستقیم متمایل شوند (Edwards, 2005)؛

- موسسات تحقیقاتی باید در پی همکاری‌های بلندمدت با وزارتخانه‌های مرتبط باشند و این کار با داشتن یک حامی^۱ در وزارتخانه‌های مرتبط تسهیل می‌شود (UNCTAD, 2006)؛
- جریان‌های ارتباطی باید دو طرفه باشند. سیاستگذاران باید به فکر کانال‌هایی برای مطلع کردن دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها از سوالات سیاستی باشند. این امر می‌تواند کمک نماید تا پژوهش‌های دانشگاهی با سیاستها مرتبط‌تر باشند (European Commission, 2008).

❖ مرتبط نمودن تحقیقات کاربردی با سیاست

- محققان باید سیاستگذاران را در پژوهش درگیر نمایند. اگر محققان در مراحل آغازین پژوهش با سیاستگذاران مشورت نمایند این امر سبب می‌شود تا سیاستگذاران در طی پژوهش و طرح سوالات پژوهشی مشارکت فعالانه داشته باشند و خود را به عنوان مالک خروجی‌های پژوهش بدانند. این تعامل در طی فرآیند پژوهش سبب توجه‌پذیری سوالات و ابزارهای مورد استفاده پژوهش برای پاسخگویی به نیاز سیاستگذاران می‌شود (Ozga, 2004)؛
- محققان باید پژوهش‌هایی که مسائل مرتبط با سیاست کشور را مورد توجه قرار می‌دهد در اولویت خود قرار دهند (Parsons, 2002:46)؛
- سیاستگذاران می‌توانند با آگاه نمودن محققان از نیازهای ویژه کشور، آنها را در مشاوره‌های سیاستی و فرآیندهای سیاستگذاری درگیر نمایند (Parsons, 2002:46)؛
- سیاستگذاران می‌توانند کمیته‌های فرابخشی یا میزگردهای سیاستی را تشکیل دهند تا فضایی برای تعامل سیاستگذاران، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها فراهم نمایند تا بتوانند در خصوص استراتژی‌ها و سیاستهای توسعه بحث و تبادل نظر نمایند (Edwards, 2005)؛
- سیاستگذاران می‌توانند محققان را به عضویت هیئتهای رسمی درآورند تا آنها بتوانند در خصوص بررسی سیاست‌ها با سیاستگذاران وارد بحث شوند و با سوالات مرتبط آشنا شوند؛
- سیاستگذاران باید دسترسی به داده‌های مرتبط را برای محققان تسهیل کنند (Lomas, 2002).

❖ ایجاد ظرفیت پایدار و مطمئن برای پژوهش مرتبط با سیاست

- به عنوان یک سیاستگذار، به جای برون‌سپاری پژوهش، تیم‌های پژوهش ملی را تامین مالی نمایید و مورد توجه قرار دهید. سرمایه‌گذاری در پژوهش ملی و بومی یک ابزار بلندمدت برای ظرفیت‌سازی و نهادسازی است (Hill, 2008:228)؛

¹- champion

- به عنوان یک معلم فراموش نکنید که دانشجویان سیاستگذاران و محققان آینده هستند. در همین راستا تلاش کنید تا در آموزش‌هایتان بر نقش پژوهش‌های کاربردی تأکید نمایید و این کار را می‌توانید از طریق گنجانیدن کاربرد روش‌شناسی‌ها در موضوعات مرتبط با سیاست در برنامه‌های درسی انجام دهید. اگر چه پژوهش‌های سیاستی معمولاً به وسیله محققان ارشد انجام می‌گیرد ولی دانشجویان می‌توانند به تدریج با سوالات سیاستی و ابزارهای پژوهش آن آشنا شوند (UNCTAD, 2006)؛

- برای ارتقای کیفیت پژوهش بومی دولت‌ها باید روی جمع‌آوری و اشاعه داده‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاری نمایند (Lomas, 2002)؛

- کارگزاران دانش^۱ به عنوان کاتالیزورهایی برای تسهیل ارتباطات میان دانشمندان و سیاستگذاران هستند. تقاضا برای شواهد به صورت ایده آل باید از جانب سیاستگذار باشد؛ اما اغلب این اتفاق نمی‌افتد (Choi, MacQueen and Rootman, 2003). نقش کلیدی کارگزار دانش این است که تقاضای سیاستگذار برای شواهد را منتقل کند و اطلاعات تولید شده توسط جوامع علمی را به شواهد قابل فهم و شفاف برای تصمیم‌گیری سیاستگذاران تبدیل کند. کارگزاران دانش را می‌توان به یک فانوس دریایی تشبیه کرد که به دانشمندان کمک می‌کند تا شاخص‌های مورد توجه سیاستگذاران را تولید کنند. این شاخص‌ها خطوط راهنمای سیاست‌ها هستند. این شاخص‌ها این امکان را به سیاستگذاران می‌دهد تا در بین گزینه‌های استراتژیک به جستجو و بررسی بپردازند و بر این اساس دست به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بزنند. داستان‌های موفق در خصوص تعامل دانشمندان و سیاستگذاران از طریق کارگزاران دانش وجود دارد. نمونه خوب موجود برای کارگزار دانش، شبکه شواهد بهداشتی^۲ است که اخیراً توسط سازمان بهداشت ایجاد شده است و تلاش می‌کند تا به سوالات مطرح شده از جانب سیاستگذاران پاسخ دهد (Smith, 1997).

❖ بهبود شیوه‌های اشاعه یافته‌ها و نتایج پژوهش به سیاستگذاران

▪ ایجاد اعتماد و اعتبار از طریق:

- محققان باید در خصوص پیش‌فرض‌های اساسی که در مدل‌ها و روش‌شناسی‌ها استفاده نموده‌اند صادق باشند و نتایج شبیه‌سازی را به عنوان یک پیش‌بینی مطمئن عرضه نکنند. محققان باید در مقابل نتایج پژوهش خود پاسخگو و مسئول باشند. تصور نکنید بدون اینکه به مفروضات خود در تحقیق اشاره نمایید، سیاستگذاران همیشه با آن مفروضات آشنا هستند (Choi et al., 2005)؛

^۱- knowledge brokerage

^۲- Health Evidence Network

- محققان باید مطمئن شوند که از منابع معتبر و ارزشمند در تحقیق خود استفاده نموده‌اند؛
 - محققان باید ضمن اشاره به نقاط قوت پژوهش خود، نقاط ضعف آن را نیز برشمارند و بدانند از آنجا که ریسک کار سیاستگذاران زیاد است یک سیاستگذار خوب هرگز به یک منبع اکتفا نمی‌کند. اگر آنها به نقاط ضعف کار خود اشاره نکنند دیگران این کار را انجام خواهند داد و در نتیجه شانس خود را برای یک مشاور خوب بودن از دست می‌دهند (UNCTAD, 2006)؛

- توصیه‌های سیاستی که اخذ می‌شوند همواره موفق نیستند؛ بنابراین اگر پژوهش محققان نتواند نتایج ارزشمندی را در اختیار سیاستگذار قرار دهد پس چگونه می‌توانند ریسک کار سیاستگذار را کاهش دهند؛

■ اطمینان از اینکه سیاستگذاران پژوهش محققان را فهمیده‌اند:

- محققان باید یافته‌های پژوهش خود را قابل فهم بنویسند. در بیان یافته‌ها از زبان ساده و قابل استفاده کنند، نه زبان ریاضی و یا اقتصاد. نکات کلیدی را به صورت خلاصه و دقیق ارائه نمایند و بر کاربردها بیش از پیشینه متمرکز شوند. همچنین توصیه‌ها و پیشنهاداتی که برای سیاستگذاران قابلیت اجرایی شدن ارائه نمایند (Choi et al., 2005)؛

- محققان بهتر است خلاصه‌های سیاستی که به طور ویژه متناسب با نیازهای سیاستگذاران طراحی شده است ارائه نمایند. مثل مطالعه‌های موردی که می‌تواند مثال‌ها و نمونه‌های شفاف و عملی را به سیاستگذاران ارائه نماید؛

■ تأمل در خصوص شیوه‌هایی که محققان می‌توانند پژوهش خود را اشاعه دهند:

- موسسات پژوهشی باید استراتژی‌های بازاریابی و اشاعه را توسعه دهند که این استراتژی می‌تواند شامل مواردی نظیر کنفرانس‌های جامع در دانشگاه‌ها، ارسال منظم خلاصه‌های دقیق سیاستی به وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی مرتبط و برقراری ارتباطات شخصی با سیاستگذاران باشد. توجه داشته باشید که این استراتژی ارتباطی است که تعیین کننده شیوه و قالب انتشار یافته‌های پژوهشی است (Soare and student, 2013).

منابع

- 1- Almeida, C., & Báscolo, E. (2006). Use of research results in policy decision-making, formulation, and implementation: a review of the literature. *Cadernos de Saúde Pública*, 22, S7-S19.
- 2- AO, G. B. (2009). Challenges of Evidence-Based Policy making.
- 3- Calmfors, L. (2009). The role of research and researchers in economic policy making: some reflections based on personal experiences. *Kansantaloudellinen aikakauskirja (Finnish Economic Journal)*, 1.
- 4- Choi, B. C., Pang, T., Lin, V., Puska, P., Sherman, G., Goddard, M. & Clotey, C. (2005). Can scientists and policy makers work together? *Journal of Epidemiology and community health*, 59(8), 632-637.
- 5- Clarence, E. (2002). Technocracy reinvented: the new evidence based policy movement. *Public Policy and Administration*, 17(3), 1-11.

- 6- Cabinet Office. (1999). *Modernizing government white paper*. London. UK: The stationery office.
- 7- Choi, B., McQueen, D., & Rootman, I. (2003). Bridging the gap between scientists and decision makers. *Journal of epidemiology and community health*, 57(12), 918.
- 8- Dukeshire, S., & Thurlow, J. (2002). *Understanding the link between research and policy*. Rural Communities Impacting Policy Project, 1-20.
- 9- Edwards, M. (2005). *Social Science Research and Public Policy: Narrowing the Divide*. *Australian Journal of Public Administration*, 64(1), 68-74.
- 10- European commission. (2008). *Scientific evidence for policy making*. http://ec.europa.eu/research/conferences/2009/rtd-2009/documentation/science_economy_and_society/scientific_evidence_for_policy_making.pdf
- 11- Gray, J. A. (1997). *Evidence-based healthcare: how to make health policy and management decisions*. London: Churchill Livingstone, 53.
- 12- Hill, L. W. (2007). *Political and Academic Linkages in Public Sector Policymaking*. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 11(1), 221-231.
- 13- Innvær, S., Vist, G., Trommald, M., & Oxman, A. (2002). Health policy-makers' perceptions of their use of evidence: a systematic review. *Journal of health services research & policy*, 7(4), 239-244.
- 14- Jewell, C. J., & Bero, L. A. (2008). "Developing good taste in evidence": facilitators of and hindrances to evidence-informed health policymaking in state government. *Milbank Quarterly*, 86(2), 177-208.
- 15- Lomas, J. (2002). *Connecting research and policy*. *Canadian Journal of Policy Research*, 1(1), 140-144.
- 16- Lin, V. (2004). *From public health research to health promotion policy: On the 10 major contradictions*. *Sozial-und Präventivmedizin*, 49(3), 179-184.
- 17- Marston, G., & Watts, R. (2003). *Tampering with the evidence: a critical appraisal of evidence-based policy making*. *The drawing board: An Australian review of public affairs*, 3(3), 143-163.
- 18- McQueen, D. V. (2001). *Strengthening the evidence base for health promotion*. *Health promotion international*, 16(3), 261-268.
- 19- McDonald, R., & Harrison, S. (2004). *The micro politics of clinical guidelines: an empirical study*. *Policy & Politics*, 32(2), 223-239.
- 20- Nutley, S., & Webb, J. (2000). *Evidence and the policy process. What works*, 13-41.
- 21- Nutley, S., Davies, H., & Walter, I. (2002). *Evidence based policy and practice: Cross sector lessons from the UK*. ESRC UK Centre for evidence based policy and practice: working paper, 9.
- 22- Ozga, J. (2004). *From research to policy and practice: some issues in knowledge transfer*.
- 23- Parsons, W. (2002). *From muddling through to muddling up-evidence based policy making and the modernisation of British Government*. *Public policy and administration*, 17(3), 43-60.
- 24- Pang, T. (2003). *Filling the gap between knowing and doing*. *Nature*, 426(6965), 383-383.
- 25- Sanderson, I. (2002). *Evaluation, policy learning and evidence-based policy making*. *Public administration*, 80(1), 1-22.
- 26- Scott, C. (2005). *Measuring up to the measurement problem: the role of statistics in evidence-based policy making*. London School of Economics.
- 27- Smith, M. (1997). *Knowledge Broker Initiative: Linking the creators and users of knowledge*. International Development Research Centre (IDRC). At <http://idrinfo.idrc.ca/archive/reportsintra/pdfs/1997e/112225.htm> accessed on, 23(10), 06.
- 28- Soare, L., & Student, M. A. (2013). *Creating a Linkage Between Academic Research and Policy making*. EUROPOLITY, 89.
- 29- UNCTAD. (2006). *Research-based policy making: bridging the gap between researchers and policy makers*. Workshop on trade policy analysis, Geneva, 11 - 15 September 2006.